

قصه‌های من و پسر م
(سفرنامهٔ بازنشستگی)

عبدالرحیم سزار آزاد

انتشارات معتبر

۱۳۹۸

سرشناسه	: سوارزاد، عبدالرحیم، ۱۳۳۸-
عنوان و نام پدیدآور	: قصه‌های من و پسر: (سفرنامه بازنشستگی) / عبدالرحیم سوارزاد.
مشخصات نشر	: اهواز: مؤسسه فرهنگی هنری آداب، انتشارات معتبر، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۴ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۹-۰۸۲-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: Persian fiction -- ۲۰th century
رده بند کنگره	: PIR ۸۳۴/و۲ق۶ ۱۳۹۸
بندی دیویی	: ۸۱۳/۶۲
شمار کتابخانه ملی	: ۵۵۸۹۰۵

اهواز: چهارراه نادری، اول خیابان شهید سراج شماره ۳۲

تلفن: ۰۶۱-۳۲۲۱۱۳۶۸-۳۲۲۱۵۴۹۶ فاکس: ۰۶۱-۳۲۲۲۵۴۹۶

پست الکترونیکی: Moatabar_alavi@yahoo.ir

نام کتاب: قصه‌های من و پسر (سفرنامه بازنشستگی)

مؤلف: عبدالرحیم سوارزاد

ناشر: انتشارات معتبر (وابسته به مؤسسه فرهنگی هنری آداب)

نوبت چاپ: اول- ۱۳۹۸

چاپ و لیتوگرافی: چاپخانه ولیعصر قم

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۹-۰۸۲-۴

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

مقدمه:

این کتاب شرح رویدادهای اولین سفر خانوادگی بعد از بازنشستگی از شغل دولتی در سال ۱۳۹۵ می‌باشد و مواردی که با آنها مواجه شدم مناطقی که مسافرت نمودم را با شرایط و امکانات استان خوزستان که در آنجا زندگی می‌کنم یک مقایسه عینی می‌کنم و فاصله‌ها را با تمام موارد ذکر کرده و در کنار محرومیت‌ها نوع نگاه به قشر شریف بازنشستگان را دریافتم که هرگز زیبنده نبود و در این قیاس دیدم که چه آسان سرما می‌خورد و چه غریبانه روزگار می‌گذرانند، این احساس را مکث نمودم تا جامعه بدانند و مدیران برای پر کردن فاصله‌ها و توزیع عادلانه امکانات و تأمین منابع اندیشه بهتر کنند، فرزندانم را شاهد گرفتم تا بعد از این تغییرات را ببینند و گاهی محاسن و معایب را گوشزد نماید و در جهت خدمت به جامعه با جدیت تلاش کند، گاهی واقعیت‌ها دردها و آزارها می‌سازند و در این افزونی درد جزاشکی بر گونه‌ها راهکاری دیگر یافت نمی‌شود بهترین راهکار در آن موقعیت نوشتن است و قلم به فریاد می‌رسد و نور می‌باشد و تاریکی را برمی‌دارد و در روشنای نور

هیچ امری پنهان نمی‌ماند و شعاع آن تا دوردست‌ها خواهد رفت و نسل‌های بسیار می‌بینند، قصه‌های من و پسر قصه‌های من با نامهربانی‌های روزگار است غصه‌هایی هستند که آشکار شده‌اند و جستجوی شایستگی و قابلیت‌هایی که برای امروز گم‌گشته‌اند و رفیق همیشه‌ام، قلمم همراه می‌شود تا مرهمی باشد با کلماتی که بر طوق می‌نگارد و میراثی که برجای خواهد ماند. برای یافتن دست‌ایی که مهربانی به دیگران هدیه می‌کنند. کشور من سرشار از مهربانی‌هاست و عطر گل‌هایش بوی نجابت می‌دهند.